

پیامدهای افزایش پذیرش دانشجویان دختر بر کارکردهای نهاد خانواده

(از منظر اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان)

غلامحسین رضایت^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۱۵

چکیده

خانواده یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که تحولات اقتصادی و اجتماعی جوامع بر کارکردهای آن تاثیر جدی برجای می‌گذارد. نتایج تحقیقات موجود نشان می‌دهد، سطح تحصیلات زن و مرد یکی از عوامل موثر بر کارکردهای خانواده است. یکی از تحولات دهه های اخیر در ایران، رشد فزاینده حضور زنان در سطوح مختلف آموزش عالی و گذر از مرز ۵۵ درصد قبولی زنان در آزمون سراسری دانشگاه‌ها است. هدف این پژوهش بررسی نتایج و پیامدهای این پدیده در نهاد خانواده است. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش توصیفی-پیمایشی و جامعه آماری آن اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان هستند. نمونه آماری آن دارای ۱۲۵ نفر عضو (شامل ۱۱۲ نفر مرد و ۱۳ نفر زن) و به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای تعیین گردید. برای جمع‌آوری اطلاعات از دو روش کمی (پرسشنامه محقق ساخته) و روش کیفی (مصاحبه نیمه‌سازمان یافته) استفاده گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که از نظر اعضای نمونه، افزایش پذیرش دانشجویان دختر بر تمامی کارکردهای خانواده (شامل کارکرد تربیتی و پرورشی، کارکرد تأمین، کارکرد تولید مثل و نظام بخشی به رفتارهای جنسی، و کارکرد اقتصادی) بیش از حد متوسط تاثیر دارد.

کلید واژه: پیامدها، دانشگاه، دانشجوی، خانواده.

مقدمه

خانواده یک نهاد کوچک اجتماعی است که علی‌رغم کوچکی، نقشی اساسی و تعیین‌کننده در سرنوشت جوامع بر عهده دارد. اما در جوامع مختلف متناسب با مکاتب فلسفی و نگرش‌های اجتماعی حاکم، میزان اهمیت و تاثیر این نهاد متفاوت است، در جامعه ما که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، خانواده به دلیل کارکرد اساسی که در انسان‌سازی و ایجاد مدینه فاضله مورد نظر اسلام دارد، یک واحد بنیادین برای تامین و تضمین سلامت و سعادت جامعه محسوب می‌گردد، تا آنجا که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «مَا بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعَزُّ مِنَ التَّزْوِيجِ» (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲). «در منظر خدای متعال، هیچ نهادی در اسلام محبوب‌تر و عزیزتر از تشکیل خانواده برپا نشده است». لذا هر آنچه در جهت تقویت این بنیان و تعمیق روابط میان اعضای آن کار ساز باشد، مورد قبول و هر آنچه که به تضعیف و سستی آن بینجامد، نفی و مذموم شمرده می‌شود، نتایج تحقیقات موجود (حاجیان ۱۳۸۰، مهدوی و خسروشاهی ۱۳۸۲، قارون ۱۳۸۵) نشان می‌دهند که تحولات اقتصادی و اجتماعی جوامع بر کارکردهای خانواده برجای می‌گذارد، براساس همین نتایج، سطح تحصیلات (به‌خصوص تحصیلات دانشگاهی) زن و مرد یکی از عوامل موثر بر تغییر و تحول در کارکردهای خانواده است.

یکی از تحولات دهه‌های اخیر در ایران، افزایش میزان مشارکت زنان در آموزش عالی و پیشی گرفتن آنان بر دانشجویان پسر است، به نحوی که در اواسط دهه ۱۳۷۰ نسبت دانشجویان دختر در مقاطع کاردانی و کارشناسی به بیش از ۵۰ درصد رسیده و در سال‌های دهه ۱۳۸۰، از مرز ۵۵ درصد نیز گذشت، افزایش میزان قبولی زنان در دانشگاه هاوبه تبع آن افزایش سطح تحصیلات آنان می‌تواند در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی از جمله روابط خانوادگی، نظام ارزش‌های سنتی، توزیع

نقش‌ها، باروری، بهداشت، تغذیه، پیشرفت تحصیلی فرزندان، اشتغال، درآمد و الگوی مصرف دگرگونی‌های وسیعی ایجاد کند.

در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به‌خصوص در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ میزان مشارکت زنان در آموزش عالی افزایش چشمگیری یافت، ارقام موجود در جدول (۱) نشان می‌دهند، در سال ۱۳۶۵ نسبت زنان دارای تحصیلات عالی فقط ۲/۲۰ درصد از کل زنان باسواد کشور بود، در صورتی که در سال ۱۳۷۵ این نسبت به ۴/۶۵ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۱۳/۰۶ درصد از کل زنان باسواد کشور افزایش یافت.

جدول ۱: توزیع زنان در حال تحصیل و زنان باسواد (غیر محصل) ۶ ساله و بالاتر^۱

درصد کل	باسواد (غیر محصل)		در حال تحصیل		وضع تحصیل سال
	تحصیلات عالی	کل	تحصیلات عالی	کل	
۲/۲۰	۱۵۹۵۲۷	۵۰۱۱۷۳۸	۵۶۵۶۲	۴۸۲۳۵۶۱	۱۳۶۵
۴/۶۵	۴۹۴۵۷۱	۱۰۰۴۵۸۰۷	۳۹۳۶۰۹	۹۰۷۱۷۵۲	۱۳۷۵
۱۳/۰۶	۳۱۱۹۹۵۸	۲۵۲۴۶۱۲۲	۱۳۰۷۰۲۶	۸۶۴۸۷۷۸	۱۳۸۵

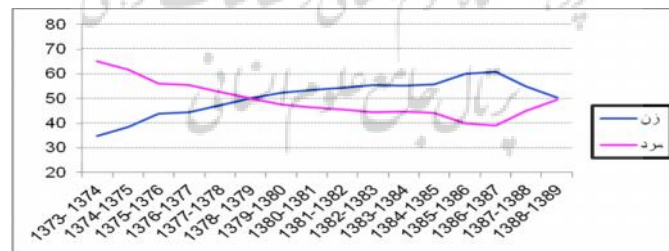
با توجه به ارقام مذکور فراوانی نسبی زنان دارای تحصیلات عالی در کل کشور طی دهه ۸۵-۱۳۷۵ به‌طور نسبی ۱۸۰/۸۶ درصد افزایش یافته و نزدیک به سه برابر شده است. آمارهای موجود نشان می‌دهد، تعداد دانشجویان دختر، طی سال‌های ۵۷ تا ۱۳۶۷ سی درصد و در سال ۱۳۷۷ به ۳۸/۲ درصد کل دانشجویان رسید. در صورتی که موضوع را از منظر، تعداد پذیرفته شدگان کنکور طی سال‌های دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ بررسی کنیم، آمارها نشان می‌دهند که تعداد پذیرفته شدگان دختر، از ۳۴/۸ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۵۰ درصد در سال ۱۳۷۸ رسیده و در سال ۱۳۸۶ این میزان به بیش از ۶۰ درصد افزایش یافت، این درحالی است که طی همین سال‌ها، جمعیت پذیرفته شدگان پسر از بیش از ۶۵ درصد به کمتر از ۴۰ درصد کاهش یافت.

جدول (۲) و نمودار (۱) وضعیت پذیرفته‌شدگان آموزش عالی در دانشگاه‌های دولتی را از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۹۰ بر حسب جنسیت نشان می‌دهند.

جدول ۲: آمار پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های دولتی در مقاطع کاردانی و کارشناسی

بر حسب جنسیت^۱ در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۰

سال	کل	زن	نسبت زنان	مرد	نسبت مردان
۱۳۷۳-۱۳۷۴	۱۰۲۸۸۲	۳۵۸۴۹	۰/۳۴۸	۶۷۰۳۳	۰/۶۵۲
۱۳۷۴-۱۳۷۵	۱۱۶۰۴۷	۴۴۵۹۶	۰/۳۸۴	۷۱۴۵۱	۰/۶۱۶
۱۳۷۵-۱۳۷۶	۱۴۳۴۳۲	۶۳۱۸۹	۰/۴۴۰	۸۰۲۲۳	۰/۵۶
۱۳۷۶-۱۳۷۷	۱۳۸۴۲۰	۶۱۷۳۷	۰/۴۴۶	۷۶۶۸۳	۰/۵۵۴
۱۳۷۷-۱۳۷۸	۱۴۹۷۰۲	۷۰۷۱۸	۰/۴۷۲	۷۸۹۸۴	۰/۵۲۸
۱۳۷۸-۱۳۷۹	۴۸۲۴۱۱	۷۴۱۸۴	۰/۵۰۰	۷۴۰۵۷	۰/۵۰۰
۱۳۷۹-۱۳۸۰	۱۶۱۳۷۲	۸۴۳۵۱	۰/۵۲۳	۷۷۰۲۱	۰/۴۷۷
۱۳۸۰-۱۳۸۱	۱۸۸۰۹۶	۱۰۰۵۹	۰/۵۳۵	۸۷۴۹۹	۰/۴۶۵
۱۳۸۱-۱۳۸۲	۲۰۳۲۱۴	۱۱۰۶۴	۰/۵۴۴	۹۲۵۷۳	۰/۴۵۶
۱۳۸۲-۱۳۸۳	۳۳۹۸۳۰	۱۳۲۹۱	۰/۵۵۴	۱۰۶۹۱۷	۰/۴۴۶
۱۳۸۳-۱۳۸۴	۲۴۱۲۸۵	۱۳۳۱۳	۰/۵۵۲	۱۰۸۱۴۷	۰/۴۴۸
۱۳۸۴-۱۳۸۵	۳۱۰۳۵۹	۱۷۳۱۳	۰/۵۵۸	۱۳۷۲۲۹	۰/۴۴۲
۱۳۸۵-۱۳۸۶	۴۴۸۹۳۷	۲۶۹۱۴	۰/۶۰۰	۱۷۹۷۹۵	۰/۴۰۰
۱۳۸۶-۱۳۸۷	۶۱۲۹۳۹	۳۷۳۱۱	۰/۶۰۹	۲۳۹۸۲۳	۰/۳۹۱
۱۳۸۷-۱۳۸۸	۵۴۲۷۴۹	۲۹۷۷۳	۰/۵۴۹	۲۴۵۰۱۷	۰/۴۵۱
۱۳۸۸-۱۳۸۹	۷۵۵۲۳۱	۳۸۱۷۰	۰/۵۰۵	۳۷۳۵۲۴	۰/۴۹۵
۱۳۸۹-۱۳۹۰	۹۲۲۴۶۷	۴۵۱۳۸	۰/۴۸۹	۴۷۱۰۸۶	۰/۵۱۱



نمودار ۲: پذیرفته‌شدگان دانشگاه‌های دولتی در مقاطع کاردانی و کارشناسی

بر حسب جنسیت در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۹

افزایش سطح تحصیلات زنان نقشی اساسی و تعیین‌کننده در تبیین تحولات خانواده دارد و می‌تواند، از یک سو شرایط ساختاری زندگی خانوادگی و روابط میان اعضای آن را دگرگون کند و از سوی دیگر با قرار دادن افراد در جریان اندیشه‌ها و اطلاعات جدید، زمینه‌ساز تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های آنان شود. نتایج تحقیقات انجام شده (حاجیان، ۱۳۸۰؛ مهدوی و خسروشاهی، ۱۳۸۲؛ قارون ۱۳۸۵؛ رستگار خالد، ۱۳۸۳؛ سفیری، ۱۳۸۶؛ رضایی، ۱۳۸۶) نشان می‌دهد، افزایش سطح تحصیلات زنان، تاثیری جدی بر افزایش منزلت اجتماعی آنان، ساختار قدرت و تصمیم‌گیری در خانواده، افزایش اشتغال زنان، افزایش درآمد و ایجاد استقلال نسبی برای آنان، و ... خواهد داشت، همچنین آمارهای موجود و نتایج سرشماری‌های انجام شده، حکایت از آن دارد که افزایش سطح تحصیلات بر افزایش سن ازدواج، عدم تمایل به ازدواج، میزان طلاق، میزان باروری و ... تاثیر تعیین‌کننده خواهد داشت.

به دنبال بروز این پدیده، از طرف کارشناسان، برنامه‌ریزان و عناصر اصلی تصمیم‌گیری کشور، در قوای مجریه و مقننه و محافل علمی و دانشگاهی نظرات و برخوردهای متفاوتی درخصوص نتایج و پیامدهای آن مطرح گردید، عده‌ای این پدیده را کاملاً مثبت و مفید ارزیابی کرده و آن را یک فرصت طلایی برای توسعه جامعه تلقی می‌نمایند. درمقابل عده‌ای آن را به باد انتقاد گرفته و با بیان پیامدهای منفی، آن را مقدمه یک بحران اجتماعی به‌خصوص در نهاد خانواده می‌دانند.

در این زمینه می‌توان به موارد مطرح شده، توسط وزیر اسبق بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (دکتر پزشکیان) و روسای اسبق و سابق سازمان سنجش و آموزش کشور (دکتر رحیمی و دکتر پورعباس) درخصوص لزوم تغییر ساختار و نظام گزینش دانشجو و اعمال سقف ۵۰ درصدی در برخی از رشته‌ها و عکس‌العمل‌ها و واکنش‌های مطرح شده، ازطرف برخی از نمایندگان مجلس و اساتید و اعضای

هیئت علمی دانشگاه‌ها اشاره نمود. فاطمه راکعی رئیس کمیته زنان و خانواده مجلس ششم در سخنان تندی در واکنش به طرح دکتر رحیمی از موضع‌گیری کمیته زنان و خانواده مجلس در این باره خبر داد (۱۳۸۲، ۵ مهر). اما درمقابل خانم الهه کولایی عضو هیئت علمی دانشگاه تهران و نماینده مجلس شورای اسلامی در این مورد می‌گوید: "اگر جامعه نتواند فارغ التحصیلان دختر دانشگاهی را جذب کند، موجب اتلاف منابع عظیمی از سرمایه‌های کشور می‌شود و اگر روند افزایش قبولی دختران نسبت به پسران در دانشگاه‌ها ادامه یابد، موجب برهم خوردن تعادل در جامعه خواهد شد" (۱۳۸۰، ۱۳ اردیبهشت). در برخورد متفاوت دیگری قرائی مقدم استاد دانشگاه تربیت معلم با اشاره به قبولی ۶۳ درصدی دختران در کنکور سال ۸۸ می‌گوید: "ورود زنان در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مایه پیشرفت و توسعه‌یافتگی است و افزایش ورود دختران به عرصه آموزش عالی نه تنها تهدید نیست بلکه فرصت است" (۱۳۸۸، ۱۵ مهر).

باتوجه به آنچه که بیان شد، و به دلیل اهمیت و نقش اساسی خانواده در جامعه ما، همچنین پیشگیری از برخوردهای احساسی، مقطعی و زودگذر و کمک به تصمیم‌سازی، برنامه‌ریزی صحیح و برخورد منطقی با این پدیده اجتماعی و پیامدها و نتایج آن در خانواده، انجام یک تحقیق علمی ضروری به نظر می‌رسید.

لذا موضوع این تحقیق، شناسایی پیامدهای احتمالی افزایش میزان حضور زنان در دانشگاه‌ها و تحولات و دگرگونی‌هایی است، که بر اثر افزایش سطح تحصیلات زنان بر کارکردهای مختلف نهاد خانواده به وجود می‌آید، در واقع پرسش اصلی این تحقیق این است که آیا افزایش سطح تحصیلات زنان باعث بروز تغییراتی در نهاد خانواده خواهد شد یا خیر. در صورت مثبت بودن پاسخ، این تغییرات عمدتاً در کدام زمینه‌ها (کارکردها) به وقوع خواهد پیوست.

سوال‌های این تحقیق عبارتند از:

۱- پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان در زمینه کارکرد تربیتی و پرورشی نهاد خانواده چیست؟

۲- پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان در زمینه کارکرد تامینی نهاد خانواده چیست؟

۳- پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان در زمینه کارکرد تولید مثل نهاد خانواده چیست؟

۴- پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان در زمینه کارکرد اقتصادی نهاد خانواده چیست؟

پیامدهای افزایش میزان قبولی زنان در دانشگاه‌ها بر نهاد خانواده را می‌توان، با استفاده از نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف مورد بررسی و تبیین قرار داد. اما رویکرد این پژوهش به تحولات خانواده، عمدتاً دیدگاه کارکردگرایی است. در مکتب کارکردگرایی خانواده، نهادی است که وجود و بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که برعهده دارد. در همین زمینه ربانی و شاهنوشی (۱۳۸۰) می‌نویسند: "کارکردگرایی مکتبی است که اعتقاد دارد، جامعه یک کل است و دارای اجزایی است که هر کدام از این اجزا وظیفه ادامه حیات آن کل را با توجه به کارکردی که از خود بروز می‌دهند، برعهده دارند و اصولاً ادامه بقای این اجزا ناشی از همین کارکرد آنهاست" (ص ۱۲۴). آینده خانواده و تحولات و دگرگونی‌های آن همواره از مهم‌ترین دل‌مشغولی‌های اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی است، از مهم‌ترین این نگرانی‌ها، تحولات و دگرگونی‌های فراوانی است که بر اثر تحولات اجتماعی و اقتصادی جوامع در تمامی ابعاد و زوایای ساختی- کارکردی خانواده‌ها به وجود می‌آید.

نهاد خانواده دارای وظایف و کارکردهای متعددی است که ماهیت و سطح اجرای آن از دیدگاه مکاتب و فرهنگ‌های مختلف، همچنین اندیشمندان و نظریه‌پردازان

علوم اجتماعی متفاوت است. به همین دلیل در جوامع مختلف، کارکردهای متفاوتی برای خانواده مطرح و ارائه می‌گردد. کوئن (۱۳۷۲) کارکردهای خانواده را شامل پنج مورد:

- ۱- نظام‌بخشی به رفتارهای جنسی و تولید مثل،
- ۲- مراقبت و نگهداری از کودکان، معلولان و سالمندان،
- ۳- اجتماعی کردن کودکان،
- ۴- تثبیت جایگاه اجتماعی و تعیین پایگاه‌ها،

۵- فراهم کردن امنیت اقتصادی می‌داند (صص ۱۸۱-۱۷۹).

همچنین ربانی و شاهنوشی (۱۳۸۰) مهم‌ترین کارکردهای خانواده را شامل موارد: ۱- بقای نسل، ۲- ارضای نیازهای جنسی، ۳- کارکرد اقتصادی، ۴- جامعه پذیر کردن افراد، ۵- تربیت اخلاقی می‌دانند (صص ۶۲).

علاوه برآنچه که از دیدگاه صاحب‌نظران غربی مطرح شده در ادامه به بررسی کارکردهای خانواده از دیدگاه اسلام خواهیم پرداخت، برای این منظور به بررسی تعدادی از آیات قرآن کریم و روایات مرتبط به کارکردهای خانواده می‌پردازیم.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم ۲۱). «این از نشانه‌های حکمت و تدبیر الهی است که از جنس خودتان همسرانی را برای شما آفرید، تا مایه آرامش و سکونت شما باشند و میانتان دوستی و عطفوت قرار داد». و باز می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره ۱۸۷). «آنها لباس شمایند و شما لباس آنانید».

از این آیات می‌توان نتیجه گرفت که یکی از وظایف و کارکردهایی که اسلام برای خانواده قائل شده است، ایجاد و تامین آرامش روحی و روانی، تامین امنیت اجتماعی، استحکام روابط و پیوند دوستی و عطفوت بین اعضای خانواده می‌باشد.

رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ» (من لا يحضره الفقيه ج ۳، ص ۳۸۳). «هر کس ازدواج کند، نصف دینش را حفظ نموده است» و امیرمومنان علی(ع) پس از ازدواج ایشان با حضرت فاطمه (س) در پاسخ رسول خدا (ص) که از ایشان پرسیدند: همسرت را چگونه یافتی؟ فرمود: زهرا را بهترین کمک برای اطاعت خدا یافتم. از روایات فوق نتیجه می‌شود که یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده، تهذیب و تزکیه نفس، پرورش فضائل و مکارم اخلاق و دستیابی به هدف بعثت انبیاء الهی است و در آیه دیگری می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (نور ۳۲). «عزب‌های خود و غلامان و کنیزان شایسته‌تان را همسر دهید، اگر تنگدست باشند، خدا از فضل و کرم خود توانگرشان کند که خدا وسعت بخش و داناست». همچنین رسول خدا (ص) می‌فرماید: «اتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّهُ أَرْزُقُ لَكُمْ» (بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲). «زن بگیرید، زیرا که ازدواج روزی شما را زیاد می‌کند». با استفاده از این روایت و باتوجه به وعده الهی در آیه فوق می‌توان نتیجه گرفت که از دیگر کارکردهای خانواده، کارکرد اقتصادی آن است.

رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «تَنَاكْحُوا تَكْثُرُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَوْ بِالسَّقَطِ» (بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۲۱). «ازدواج کنید تا جمعیت شما زیاد شود، زیرا من در روز قیامت به وجود شما حتی به فرزند سقط شده‌تان، بر سایر امت‌ها می‌بالم».

از آنجا که ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم، که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند، رویکرد اصلی ما در کنار توجه به نظرات سایر مکاتب، بررسی کارکردهای مورد نظر اسلام برای خانواده است. اسلام به دنبال آن است، تا از طریق خانواده زمینه‌های لازم برای توسعه و تکامل انسان در تمامی ابعاد وجودی وی، همچنین امکان همزیستی مسالمت‌آمیز و تامین آرامش روحی و روانی انسان‌ها را

در خانواده فراهم نماید. با توجه به توضیحات فوق، کارکردهای عمده خانواده، از نظر اسلام را می‌توان، در موارد زیر جمع‌بندی و خلاصه نمود:

- ۱) کارکرد تربیتی و پرورشی شامل:
 - تکامل انسانی، تزکیه و تهذیب نفس، پرورش فضائل و مکارم اخلاق.
 - ایجاد محیطی سالم برای رشد و تربیت همه جانبه کودکان (در ابعاد ذهنی، جسمی، اخلاقی، اجتماعی کردن کودکان و حفظ سنت‌ها و ارزش‌های مورد قبول اسلام و جامعه).
 - مراقبت و نگهداری از سالمندان.
- ۲) کارکرد تامینی شامل:
 - ایجاد و تامین آرامش روحی و روانی و استحکام روابط و پیوند دوستی و عطفوت بین اعضای خانواده.
 - تامین امنیت فردی و اجتماعی و تثبیت جایگاه اجتماعی برای اعضای خانواده.
- ۳) کارکرد تولید مثل و نظام بخشی به رفتارهای جنسی.
- ۴) کارکرد اقتصادی.

در بررسی پیشینه پژوهش مشاهده شد که در اکثر پژوهش‌های موجود تنها به یک جنبه از موضوع این پژوهش، یعنی بعد خانواده و آن هم به یکی از اجزای آن پرداخته شده است. نتایج تحقیقات انجام شده موجود (حاجیان ۱۳۸۰، مهدوی و خسروشاهی ۱۳۸۲، قارون ۱۳۸۵) نشان می‌دهد، افزایش سطح تحصیلات زنان نقشی کلیدی و تعیین کننده در تبیین تحولات خانواده دارد و می‌تواند، از یک سو شرایط ساختاری زندگی خانوادگی و روابط میان اعضای آن را دگرگون کند و از سوی دیگر با قرار دادن افراد در جریان اندیشه‌ها و اطلاعات جدید، زمینه ساز تغییر ارزش‌ها و نگرش‌های آنان شود.

یکی از کارکردهای اساسی خانواده پاسخگویی به نیازهای اقتصادی اعضای خانواده به خصوص زنان می‌باشد. انتظار می‌رود، با افزایش سطح تحصیلات زنان، گرایش آنان به کار و اشتغال بیرون از خانه افزایش یابد، نتایج تحقیقات موجود (رستگارخالد ۱۳۸۳ و رضایی ۱۳۸۶) نشان می‌دهند، بین افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان همبستگی مثبت وجود دارد. همچنین آمارهای موجود نشان می‌دهند، فراوانی نسبت زنان دارای تحصیلات عالی در کل کشور در بین زنان شاغل از ۲۷/۶ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۶/۶۶ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است، این در حالی است که درصد زنان دارای تحصیلات عالی در سال ۱۳۷۵ در کل کشور ۴/۶۵ درصد و در سال ۱۳۸۵ در کل کشور ۱۳/۰۶ درصد بوده است، مقایسه ارقام فوق نشان‌دهنده بالا بودن نسبت زنان با تحصیلات عالی در بین زنان شاغل است. همچنین با افزایش میزان اشتغال زنان، درآمد آنها نیز افزایش یافته و در پرتو این افزایش درآمد، استقلال نسبی برای آنان به وجود آمده است. اما برخلاف این انتظار نتایج تحقیقات ذوالفقارپور و همکارانش (۱۳۸۳) نشان می‌دهد که بین میزان درآمد زنان و ساختار قدرت در خانواده (به وجود آمدن استقلال نسبی برای زنان) رابطه معناداری وجود ندارد و در واقع با افزایش درآمد زنان تغییری در ساختار قدرت در خانواده رخ نمی‌دهد (ص ۴۲). از دیگر پیامدهای افزایش سطح تحصیلات زنان، افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری در خانواده است، نتایج تحقیق مهدوی و صبوری (۱۳۸۲) و سفیری (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که بین افزایش سطح تحصیلات زنان و ساختار قدرت در خانواده (افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری در خانواده) رابطه وجود دارد. همچنین نتایج تحقیق جاراللهی (۱۳۷۴) نشان می‌دهد، زنان شاغل به دلیل کسب قدرت اقتصادی و عهده‌دار شدن تمام یا قسمتی

از هزینه زندگی، نسبت به زنان غیرشاغل، قدرت تصمیم‌گیری بیشتری در امور زندگی پیدا می‌کنند (صص ۱۴۸-۱۴۷).

افزایش میزان تحصیلات زنان، اشتغال و افزایش در آمد آنان، موجب کاهش و یا از بین رفتن کارکرد اقتصادی خانواده می‌شود. در نتیجه زنان تحصیل کرده نیاز و تمایل کمتری به ازدواج نشان داده و زنانی هم که ازدواج کرده‌اند، بیشتر در معرض طلاق قرار می‌گیرند. آمارهای موجود حکایت از آن دارد که میزان طلاق در بین زنان ۱۰ ساله و بیشتر در سطوح ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی در سال ۱۳۷۵ به ترتیب ۰/۴، ۰/۳، ۰/۵ و ۰/۹ درصد می‌باشد^۱ که نشان‌دهنده افزایش شدید میزان طلاق (تقریباً دو برابر سایر سطوح تحصیلی) در بین زنان دارای تحصیلات عالی بوده و بیانگر تاثیر افزایش سطح تحصیلات زنان در مقاطع عالی بر میزان طلاق می‌باشد. میشل (۱۳۷۲) می‌نویسد: "آمارها نشان می‌دهند که در کشورهای غربی هرچه میزان تحصیلات زنان بالا می‌رود، کمتر ازدواج کرده و بیشتر طلاق می‌گیرند" (ص ۱۲۶). افزایش میزان طلاق در بین زنان با تحصیلات عالی را می‌توان، نمودی از تضعیف انسجام خانواده (گسستگی روابط زن و شوهر) به‌شمار آورد. خانواده‌هایی که در مرحله شکل‌گیری و در ادامه حیات خود از انسجام و همگرایی منطقی برخوردارند، در ایفای نقش تربیتی موفق‌تر خواهند بود، ضعف کارایی خانواده زمانی اتفاق می‌افتد که والدین به خصوص مادران به دلیل اشتغال بیرون از خانه نسبت به نقش و مسئولیت‌های خطیر خود در خانواده و تعامل با فرزندان بی‌توجهی و غفلت ورزند.

بررسی‌های انجام شده، نشان می‌دهند، سطح تحصیلات زنان و اشتغال آنان به فعالیت و کار بیرون از خانه از جمله شاخص‌های اجتماعی است که نقش تعیین‌کننده‌ای بر میزان باروری زنان دارند. سازمان علمی، فرهنگی ملل متحد «یونسکو»^۲

۱- مرکز آمار ایران

(۱۹۹۶) طی گزارشی به صراحت مهم‌ترین عامل در ایجاد تغییر و دگرگونی در نگرش‌ها و رویکردهای افراد نسبت به باروری را آموزش و تحصیلات دختران دانسته است (صص ۳۹۸-۳۹۵). آمارها نشان‌دهنده کاهش باروری در کشور ما، بعد از سال ۱۳۶۴ به‌ویژه از سال ۱۳۶۸ به بعد است، دلیل عمده این تغییر، افزایش میزان دختران شاغل به تحصیل در دوره‌های دبیرستان و دانشگاه است، این امر از چند جنبه موجب تغییر افکار و اندیشه‌های زوجین در امر ازدواج و فرزندآوری شده است. اولاً افزایش میزان دختران شاغل به تحصیل به خصوص در سطح آموزش عالی باعث طولانی‌تر شدن مدت تحصیل آنان و در نهایت منجر به افزایش سن ازدواج شده است، همچنین افزایش سطح توقعات و انتظارات آنها از همسر آینده خود و تمایل آنان برای به‌دست آوردن شغلی مناسب را افزایش می‌دهد. کاظمی‌پور (۱۳۷۹) در این زمینه می‌نویسد: "میانگین سن ازدواج دختران در ایران از ۱۹ سال، در سال ۱۳۳۵ به ۲۲/۴ در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است" (ص ۲۷۷). ثانیاً بالا بودن سن ازدواج باعث کوتاه شدن دوره فرزندآوری خواهد شد. نتایج آماری طرح باروری- مرگ و میر در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد که زنان باسواد ۱/۹ بچه و زنان بی‌سواد دارای ۳/۳ بچه هستند، مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که افزایش میزان تحصیلات زنان نقش تعیین‌کننده‌ای در کاهش تعداد فرزندان یک زن دارد. کوئن (۱۳۷۲) می‌نویسد: "جامعه‌شناسان دریافته‌اند که زوج‌هایی که از سطح تحصیلات بالاتر برخوردارند، به کاهش تعداد فرزندگرایش دارند، درحالی‌که درمورد زوج‌هایی که تحصیلات کمتری دارند، چنین گرایشی مشاهده نمی‌شود" (ص ۱۸۳). همچنین کریمی (۱۳۷۹) می‌نویسد: "بررسی سطح تحصیلات زنان و تعداد بچه‌های آنها نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات زنان، تعداد بچه‌هایی که به دنیا می‌آورند، کاهش پیدا می‌یابد" (ص ۳۲). همچنین نتایج تحقیق

عباسی و عسکری (۱۳۸۴) نشان می‌دهد که سطح تحصیلات زنان، نقشی تعیین کننده و محوری بر سن ازدواج و رفتارهای باروری آنان دارد (ص ۶۲).

بعد دیگر اشتغال زن که بسیار اهمیت دارد، موضوع مراقبت و نگهداری از کودکان است. برخی از تحقیقات انجام شده، براین واقعیت مهم اشاره دارند که اشتغال مادر موجب اختلال در تکوین و شکل‌گیری دلبستگی کودک نسبت به مادر می‌شود، رازقی و همکارانش (۱۳۸۴) می‌نویسند:

تحقیقات انجام شده در مورد بهداشت روانی و رشد شخصیت کودکان و نیز پژوهش‌های انجام شده درباره پریشانی‌های عاطفی و اختلال‌های رفتاری کودکان، به اتفاق، محرومیت مادری را عمده‌ترین علت نابسامانی‌های روحی برشمرده‌اند. جان بالبی^۱ از پیشگامان روانشناسی رشد معتقد است، بسیاری از اشکال روان آزرده‌گی‌ها و اختلال‌های شخصیت نتیجه محرومیت کودک از مراقبت مادرانه و یا عدم ثبات رابطه کودک با چهره دلبستگی است. وی عقیده دارد که مجرمان سابقه‌دار در طول پنج سال اول زندگی‌شان مورد پذیرش و مهر و محبت والدین قرار نگرفته، مدتی طولانی از آنها جدا بوده، یا در دامان نامادری پرورش یافته‌اند. وی عقیده دارد، همان‌طور که ویتامین‌ها و پروتئین‌ها برای رشد و سلامت جسمانی کودک لازم است، عشق و محبت مادری نیز در دوران کودکی برای سلامت روان ضروری می‌باشد (صص ۱۶۶-۱۶۵).

رازقی و همکارانش (۱۳۸۴) در تبیین نتایج تحقیق‌شان می‌نویسند: کودکانی که نیمی از روز را در مهد کودک سپری می‌کنند، در مهد کودک، معمولاً به صورت گروهی مراقبت می‌شوند و در اکثر مواقع، مربیان نیز ثابت نیستند. عدم ثبات مراقب موجب می‌شود که کودک نتواند با یک چهره دلبستگی خاص، رابطه دلبستگی ایجاد نماید. در نتیجه، تحوّل دلبستگی کودک با آسیب مواجه شده، به ناایمنی

1- John Bowlby

دلبستگی منجر می‌شود، چراکه یک جانشین واحد در غیاب مادر به نیازهای کودک پاسخ نمی‌دهد (صص ۱۷۷-۱۷۶).

شیر مادر یکی از منابع سودمند برای تغذیه کامل کودک است، ادامه شیردهی تا سن دو سالگی نقشی اساسی در تامین سلامت و رشد جسمی و ذهنی کودک، کاهش مرگ و میر کودکان و ایمنی بدن نوزادان دارد. نتایج تحقیق حاجیان (۱۳۸۰) نشان می‌دهد که بین سطح تحصیلات مادر و طول مدت شیردهی به کودک رابطه معکوس وجود دارد. البته نتایج همین تحقیق نشان می‌دهد که در صورت حذف متغیرهای دیگر به‌ویژه اشتغال مادر، افزایش سطح تحصیلات خطر افت شیردهی را کاهش می‌دهد (صص ۲۰۹-۲۰۸). همچنین ملک افضلی و همکارانش (۱۳۶۷) گزارش کردند، سطح تحصیلات مادر با مدت شیردهی کودک رابطه معکوس دارد و تحلیل نموده‌اند که این مسئله شاید به دلیل اشتغال مادر در خارج از منزل و دوری اجباری مادران از کودکان باشد.

افزایش سطح تحصیلات زنان می‌تواند، موفقیت فرزندان آنان را در تحصیل افزایش دهد، تحقیقات کینگ^۱ و هیل^۲ (۱۳۷۶) نشان می‌دهد که موفقیت و پیشرفت تحصیلی فرزندان با تحصیلات مادران آنها همبستگی مثبت دارد (ص ۵۲). همچنین نتایج تحقیق قارون (۱۳۸۵) نشان می‌دهد که تاثیر سطح تحصیلات والدین یا سرمایه انسانی نسل قبل، بارزتر و معنی‌دارتر شده است. به عبارت دیگر، در طی سال‌های اخیر تاثیر تحصیلات دانشگاهی والدین بر نگرش فرزندان نسبت به وجهه اجتماعی و احتمالاً چشم انداز اقتصادی تحصیلات عالی بیشتر شده است (ص ۹۱). یکی از پیامدهای احتمالی افزایش سطح تحصیلات زنان، افزایش منزلت اجتماعی آنان است. ریتزر (۱۳۸۳)، برخی از نمادها و شاخص‌های منزلت را شامل درآمد، شغل، میزان تحصیلات، قدرت اجتماعی، مفید بودن و غیره می‌داند (ص ۳۰۴). با

ترکیب شاخص‌های مذکور ونظریه مزلو می‌توان، گفت زنان ضمن داشتن انگیزه‌های اقتصادی و ایمنی می‌توانند، به نیازهای احترام و تعلق نیز توجه داشته و در این مسیر ضمن بهبود پایگاه و موقعیت اجتماعی خود به تقویت روحیه خودباوری، اعتماد به نفس، افزایش منزلت اجتماعی و با دستیابی به کانون‌های قدرت، زمینه رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌های گذشته را نیز در مورد خود فراهم نمایند. نتایج تحقیق آزاد ارمکی و همکارانش (۱۳۸۲) در مورد انگیزه اشتغال زنان نشان می‌دهد، در گذشته رفع نیاز مالی خانواده مهم‌ترین انگیزه زنان برای اشتغال (۹۵درصد) بود، اما در مورد زنان امروزی علاوه بر رفع نیاز مالی، نیازهای دیگری از جمله کسب منزلت اجتماعی، کسب استقلال مالی، حضور در جامعه و ... به انگیزه‌های زنان برای اشتغال افزوده است (صص ۹-۱۰).

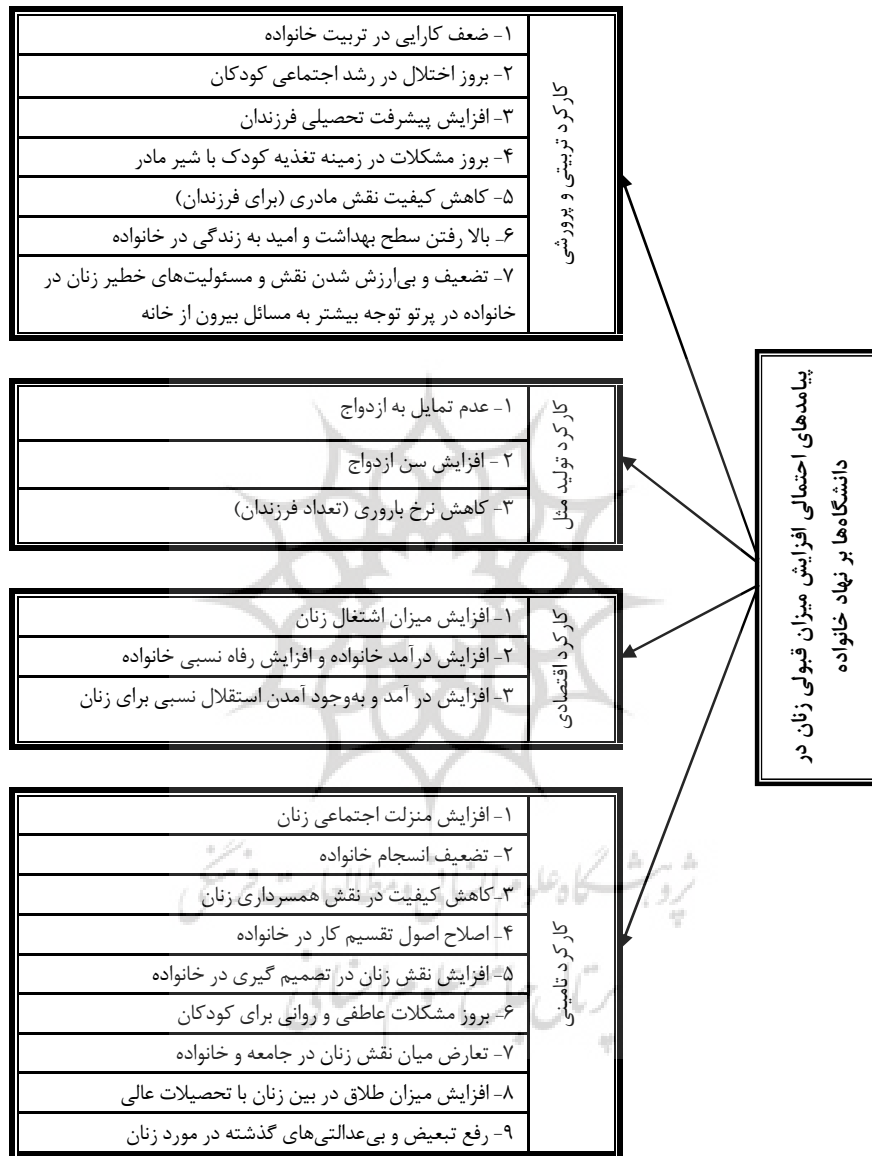
زنان با تحصیلات بالاتر می‌توانند، خانواده‌ای سالم‌تر پرورش دهند، زیرا این‌گونه زنان، بهداشت، تغذیه و تندرستی بیشتری را برای خود و خانواده به ارمغان آورده و در کاهش مرگ و میر کودکان موثر می‌باشند. افزایش میزان تحصیلات مادر می‌تواند، تندرستی کودک او را که با وزن آنها به هنگام تولد، وضعیت تغذیه و میزان زنده ماندن‌شان تعیین می‌شود، بهبود دهد. شولتز^۱ (۱۳۷۶) به نقل از هاینز و آوری^۲ می‌نویسد: آنها دریافتند که در کاستاریکا در شرایط یکسان، به ازای یک سال آموزش بیشتر مادران، میزان مرگ و میر کودکان ۶ تا ۷ درصد کاهش می‌یابد (صص ۹۸-۹۹). باتوجه به توضیحات فوق زمانی که سلامتی خانواده بیشتر باشد، امید به زندگی و کیفیت آن، نه تنها برای زنان، بلکه برای کل جامعه افزایش خواهد یافت.

هر فرد بر حسب موقعیت خویش در گروه و جامعه، باید الگوی عملی خاصی را رعایت کند که به آن «نقش» و مجموعه حقوق و تکالیف هر نقش را «انتظارات

1- Schultz

2- Haines and Avery

نقش» می‌گویند. از ویژگی‌های جوامع صنعتی امروز وجود نقش‌های متعدد برای یک فرد است. در این گونه جوامع از افراد انتظار می‌رود که به الزامات بیش از یک نقش پاسخ دهند و بسیار پیش می‌آید که افراد در انجام نقش‌هایی که باهم در تعارض هستند، دچار فشارهای شدید روحی، اختلال فکری و بی‌نظمی می‌شوند، چنین حالتی را تعارض نقش می‌گویند. از افرادی که در جوامع امروزی بیشتر دچار تعارض نقش می‌شوند، زنان شاغل هستند، اشتغال زنان در خارج از خانه، تاثیر جدی بر نقش آنان در خانواده گذاشته و باعث تعدد و تنوع نقش‌های آنان می‌گردد. اگر زن تاکنون به عنوان همسر و مادر ایفای نقش می‌کرد، ورود وی به بازار کار نقش‌های جدیدی را به عهده او خواهد گذاشت. نتایج تحقیق رستگار (۱۳۸۳) نشان می‌دهد که زنان شاغل عمدتاً دچار تعارض نقش می‌شوند، البته متغیرهایی مانند حمایت اجتماعی از خانواده، انتظارات نقش خانوادگی و کنترل کار، بر تعارض تجربه شده توسط زنان تاثیر دارند. لذا برای کاهش تعارض زنان اساساً باید بر حمایت اجتماعی از خانواده به‌خصوص توسط شوهران تاکید کرد (ص ۴۷). چیزی که در بعضی از خانواده‌ها به دلیل تسلط فرهنگ سنتی مردسالاری و قبیح شمردن انجام کارهای خانه، مانند نظافت، شستشوی ظرف، پختن غذا، بچه‌داری و... توسط مردان، نباید توقع زیادی برای این گونه حمایت‌ها توسط مردان را داشته باشیم. همچنین رستگار (۱۳۸۳) در گزارش تحقیق خود به نظریه ریزش^۱ اشاره می‌کند و می‌نویسد: "بر اساس این نظریه، در ریزش منفی مشکلات و فشارهایی که در نقش کاری، به فرد تحمیل شده، او را به خود مشغول می‌کند، ... در نتیجه فرد نمی‌تواند در رفتار، نقش مورد انتظار را نشان دهد و غالباً دچار پرخاشگری یا انزوایی می‌شود که هر دو به منزله وجود دشواری برای فرد در ایفای وظایف خانوادگی است" (ص ۳۷).



نمودار ۲: مدل نظری تحقیق

(مهم‌ترین پیامدهای احتمالی ناشی از افزایش میزان قبولی زنان در نهاد خانواده)

روش

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف مورد نظر روش تحقیق توصیفی- پیمایشی و جامعه آماری آن اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان است. نمونه آماری آن دارای ۱۲۵ عضو است (شامل ۱۱۲ نفر مرد و ۱۳ نفر زن) که به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند، برای انجام این روش، در مرحله اول از ۸ دانشکده موجود ۴ دانشکده به صورت تصادفی انتخاب، سپس اعضای نمونه از بین گروه‌های آموزشی دانشکده‌های مورد نظر به صورت طبقه‌ای تصادفی (برحسب جنسیت و سهم هر گروه) انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌های این پژوهش از دو روش کیفی (مصاحبه) و روش کمی (پرسشنامه محقق ساخته) استفاده گردید.

مصاحبه‌های انجام شده به لحاظ ساختاری، جزء مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بود. مصاحبه‌ها به صورت فردی و در دو مرحله اجرا شد. در مرحله اول که پس از بررسی پیشینه تحقیق و قبل از ساخت پرسشنامه انجام شد، با هفت نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان (با مسئولیت‌های مختلف شامل معاون دانشگاه، معاون دانشکده، رئیس گروه و اساتید صاحب‌نظر) هر یک به مدت تقریبی یک و نیم ساعت به صورت فردی مصاحبه شد. لازم به توضیح است که برای انتخاب اعضای نمونه مرحله کیفی تحقیق (مصاحبه) از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. با استفاده از این روش، اطمینان حاصل می‌شود، که داده‌ها از مطلع‌ترین و مناسب‌ترین افراد جمع آوری شده است.

از آنجا که پرسشنامه‌ای استاندارد شده در این زمینه وجود نداشت با استفاده از یافته‌های حاصل از مصاحبه و پیشینه تحقیق نمودار (۲) پرسشنامه‌ای حاوی ۲۲ سوال، پاسخ بسته توسط محقق تهیه و برای تعیین روایی، در اختیار برخی از صاحب‌نظران و اعضای هیئت علمی قرار گرفت و پس از اعمال نظرات اصلاحی آنان، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. ضریب پایایی پرسشنامه نیز از روش ضریب

آلفای کرونباخ و با استفاده از اطلاعات به دست آمده از مطالعه مقدماتی برابر با ۰/۹۱ محاسبه شد که حاکی از پایایی بالای پرسشنامه تهیه شده است.

در تحلیل داده‌های این پژوهش از دو روش کمی و کیفی استفاده شد. تحلیل داده‌های کیفی حاصل از مصاحبه با استفاده از روش تحلیل محتوا و آمار توصیفی و تحلیل داده‌های کمی نیز با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی انجام شد. در سطح آمار توصیفی مشخصه‌های آماری نظیر فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار برای تحلیل داده‌ها مورد استفاده قرار گرفت و در سطح آمار استنباطی از آزمون‌های T تک متغیره و آزمون دوجمله‌ای استفاده شد.

پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان، در زمینه کارکرد تامینی نهاد خانواده چیست؟

یافته‌ها

هدف مصاحبه‌های اولیه، شناسایی پیامدهای احتمالی افزایش پذیرش دانشجویان زن بر کارکردهای نهاد خانواده و ساخت پرسشنامه برای مرحله کمی تحقیق بود، لذا در این مرحله با استفاده از روش مصاحبه ساختار یافته، تعدادی سؤال باز پاسخ بر مبنای سوال‌های پژوهش تهیه و در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت. در حین انجام مصاحبه نیز در صورت لزوم با طرح سؤال‌های موشکافانه و عمیق‌تر سعی شد، اطلاعات کافی و مناسب تهیه و جمع‌آوری گردد. مصاحبه‌ها، از طریق یادداشت‌برداری و با استفاده از روش تحلیل محتوا، موضوعاتی را که از نظر مصاحبه‌شوندگان دارای اهمیت و فراوانی بیشتری بودند، از متن یادداشت‌ها، استخراج و طبقه‌بندی گردید. در پایان مصاحبه‌های اولیه جمعاً ۲۲ پیامد که دارای بیشترین تکرار بود، به دست آمد، که در ۴ کارکرد خانواده طبقه‌بندی شد. در نهایت با استفاده از یافته‌های مذکور پرسشنامه‌ای شامل ۲۲ سؤال پاسخ بسته توسط محقق تهیه شد. لازم به توضیح است، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌های اولیه در نمودار (۲) ارائه شده‌اند.

در مرحله دوم مصاحبه‌ها، از نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان، افزایش سطح تحصیلات زنان بر «افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان»، «بالا رفتن سطح بهداشت و امید به زندگی در خانواده»، «افزایش منزلت اجتماعی زنان»، «افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری در خانواده»، «رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌های گذشته در مورد زنان»، «افزایش سن ازدواج دختران» و «کاهش نرخ باروری»، «افزایش میزان اشتغال زنان»، «افزایش درآمد زنان و به‌وجود آمدن استقلال نسبی برای آنان»، «افزایش درآمد خانواده و افزایش رفاه نسبی برای خانواده» موثر است.

اما از نظر اکثر مصاحبه‌شوندگان افزایش سطح تحصیلات زنان بر «بروز مشکلاتی در زمینه تغذیه کودک با شیر مادر»، «ضعف کارایی خانواده در ایفای نقش تربیتی»، «بروز اختلال در رشد اجتماعی کودکان» و «کاهش کیفیت نقش مادری»، «تضعیف و بی‌ارزش شدن نقش و مسئولیت‌های خطیر زنان در خانواده در پرتو توجه بیشتر به مسائل بیرون از خانه»، «افزایش میزان طلاق در بین زنان با تحصیلات عالی»، «تضعیف انسجام خانواده (گسستگی روابط بین زن و شوهر و مادر و فرزندان)»، «کاهش کیفیت نقش همسرمداری زنان» و «بروز مشکلات عاطفی و روانی برای کودکان»، «عدم تمایل به ازدواج» تاثیری نخواهد داشت. لازم به توضیح است که یافته‌های حاصل از این مرحله در بخش بحث و نتیجه‌گیری، مورد استفاده قرار گرفت.

برای مقایسه میانگین نمره مولفه‌های پژوهش از آزمون T تک متغیره استفاده شد، نتایج آزمون در جدول ذیل ارائه شده است.

جدول ۳: مقایسه میانگین نمره مولفه‌های پژوهش از طریق آزمون T تک متغیره

مولفه های پژوهشی	\bar{X}	S	SE	T
کارکرد تربیتی و پرورشی	۳/۱۴	۱/۲۹	۰/۰۴۴	۳/۱۵
کارکرد تأمینی	۳/۲۷	۱/۲۲	۰/۰۳۷	۷/۲۷
کارکرد تولید مثل	۳/۶۶	۱/۱۰	۰/۰۵۸	۱۱/۳۴
کارکرد اقتصادی	۳/۷۲	۰/۹۳	۰/۰۴۹	۱۴/۷۰

باتوجه به اینکه T مشاهده شده، برای تمامی مولفه‌های پژوهش در سطح $P \leq 0.01$ معنادار بوده، لذا پیامدهای ناشی از افزایش میزان قبولی زنان در دانشگاه‌ها بر مولفه‌های پژوهش بیش از حد متوسط است.

سؤال اول پژوهش: پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان، در زمینه کارکرد تربیتی و پرورشی نهاد خانواده چیست؟

جدول ۴: پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان در زمینه کارکرد تربیتی و پرورشی نهاد خانواده

گویه مورد نظر	احتمال مشاهده شده	SIG	نتیجه
ضعف کارایی خانواده در ایفای نقش تربیتی	≤ 3	۸۴	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0.05$ معنادار بود.
	> 3	۳۶	
بروز اختلال در رشد اجتماعی کودکان	≤ 3	۹۳	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0.05$ معنادار بود.
	> 3	۲۷	
افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان	≤ 3	۳۹	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0.05$ معنادار بود.
	> 3	۸۱	
بروز مشکلاتی در زمینه تغذیه کودک با شیر مادر	≤ 3	۶۹	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0.05$ معنادار نبود.
	> 3	۵۱	
کاهش کیفیت نقش مادری (برای فرزندان)	≤ 3	۸۳	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0.05$ معنادار بود.
	> 3	۳۷	
بالا رفتن سطح بهداشت و امید به زندگی در خانواده	≤ 3	۴۷	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0.05$ معنادار بود.
	> 3	۷۳	
تضعیف و بی‌ارزش شدن نقش و مسئولیت‌های خطیر زنان در خانواده در پرتو توجه بیشتر به مسائل بیرون از خانه	≤ 3	۷۳	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0.05$ معنادار بود.
	> 3	۴۷	

نتایج حاصل از آزمون دوجمله‌ای نشان می‌دهد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه، تاثیر افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها درخصوص پیامدهای مرتبط با کارکرد تربیتی و پرورشی نهاد خانواده برگزینه‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۶ و ۷ در سطح $P \leq 0/05$ معنادار است، اما از نظر آنان گزینه ۴ در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نمی‌باشد. باتوجه به توضیحات فوق پیامدهای افزایش تعداد زنان دانشجو و سطح تحصیلات آنان بر کارکرد تربیتی و پرورشی نهاد خانواده از نظر پاسخگویان به شرح زیر است:

- ۱- ضعف کارایی خانواده در ایفای نقش تربیتی،
 - ۲- بروز اختلال در رشد اجتماعی کودکان،
 - ۳- افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان،
 - ۴- کاهش کیفیت نقش مادری (برای فرزندان)،
 - ۵- بالا رفتن سطح بهداشت و امید به زندگی در خانواده،
 - ۶- تضعیف و بی‌ارزش شدن نقش و مسئولیت‌های خطیر زنان در خانواده در پرتو توجه بیشتر به مسائل بیرون از خانه.
- سؤال دوم پژوهش: پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان، در زمینه کارکرد تامینی نهاد خانواده چیست؟

پروژه‌سکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۵: پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان در زمینه کارکرد تامینی نهاد خانواده

گویه مورد نظر	احتمال مشاهده شده		نتیجه
	سطح معناداری	سطح معناداری	
افزایش منزلت اجتماعی زنان	≤ 3	۳۲	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$
	> 3	۸۸	
تضعیف انسجام خانواده (گسستگی روابط بین زن و شوهر و مادر و فرزندان)	≤ 3	۹۳	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$
	> 3	۲۷	
کاهش کیفیت در نقش همسر داری زنان	≤ 3	۷۶	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$
	> 3	۴۴	
اصلاح اصول تقسیم کار در خانواده	≤ 3	۶۵	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$
	> 3	۵۵	
افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری در خانواده	≤ 3	۲۹	باتوجه به نتیجه آزمون دو-جمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$
	> 3	۹۱	
بروز مشکلات عاطفی و روانی برای کودکان	≤ 3	۸۱	باتوجه به نتیجه آزمون دو-جمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$
	> 3	۳۹	
تعارض میان نقش زنان در جامعه و خانواده	≤ 3	۶۳	باتوجه به نتیجه آزمون دو-جمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$
	> 3	۵۷	
افزایش میزان طلاق در بین زنان با تحصیلات عالی	≤ 3	۶۱	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$
	> 3	۵۹	
رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌های گذشته در مورد زنان	≤ 3	۴۹	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$
	> 3	۷۱	

نتایج حاصل از آزمون دوجمله‌ای نشان می‌دهد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه تاثیر افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها در خصوص پیامدهای مرتبط با کارکرد تامینی نهاد خانواده بر گزینه‌های ۸، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۱۳ در سطح $P \leq 0/05$ معنادار است، اما از نظر آنان گزینه ۱۱، ۱۴، ۱۵ و ۱۶ در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نمی‌باشد. باتوجه به توضیحات فوق پیامدهای افزایش تعداد دانشجویان دختر و سطح تحصیلات زنان بر کارکرد تربیتی و پرورشی نهاد خانواده از نظر پاسخگویان به شرح زیر است:

۱- افزایش منزلت اجتماعی زنان،

۲- تضعیف انسجام خانواده (گسستگی روابط بین زن و شوهر و مادر و فرزندان)،

۳- کاهش کیفیت در نقش همسررداری زنان،

۴- افزایش نقش زنان در تصمیم گیری در خانواده،

۵- بروز مشکلات عاطفی و روانی برای کودکان.

سؤال سوم پژوهش: پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان، در زمینه کارکرد تولیدمثل نهاد خانواده چیست؟

جدول ۶: پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان در زمینه کارکرد تولیدمثل نهاد خانواده

گویه مورد نظر	احتمال مشاهده شده		نتیجه
	≤ 3	> 3	سطح معناداری
عدم تمایل به ازدواج	۶۹	۵۱	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نبود.
افزایش سن ازدواج دختران	۲۵	۹۵	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بود.
کاهش نرخ باروری (تعداد فرزندان)	۴۸	۷۲	باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بود.

نتایج حاصل از آزمون دوجمله‌ای نشان می‌دهد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه تاثیر افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها در خصوص پیامدهای مرتبط با کارکرد تولید مثل نهاد خانواده بر گزینه‌های ۱۸ و ۱۹ یعنی «افزایش سن ازدواج دختران» و «کاهش نرخ باروری» در سطح $P \leq 0/05$ معنادار است، اما از نظر آنان گزینه ۱۷ در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نمی‌باشد.

باتوجه به توضیحات فوق پیامدهای افزایش تعداد دانشجویان دختر و سطح تحصیلات زنان بر کارکرد تولیدمثل نهاد خانواده از نظر پاسخگویان به شرح زیر است:

۱- افزایش سن ازدواج دختران،

۲- کاهش نرخ باروری (تعداد فرزندان).

سؤال چهارم پژوهش: پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان، در زمینه کارکرد اقتصادی نهاد خانواده چیست؟

جدول ۷: پیامدهای ناشی از افزایش قبولی زنان، در زمینه کارکرد اقتصادی نهاد خانواده

نتیجه	سطح معناداری	احتمال مشاهده شده		گویه مورد نظر
		≤ 3	> 3	
افزایش میزان اشتغال زنان باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بود.	0/001	20	≤ 3	افزایش میزان اشتغال زنان
		100	> 3	
افزایش درآمد و رفاه نسبی خانواده باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بود.	0/12	69	≤ 3	افزایش درآمد و رفاه نسبی خانواده
		51	> 3	
افزایش درآمد زنان و به وجود آمدن استقلال نسبی برای آنان باتوجه به نتیجه آزمون دوجمله‌ای در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بود.	0/08	50	≤ 3	افزایش درآمد زنان و به وجود آمدن استقلال نسبی برای آنان
		70	> 3	

نتایج حاصل از آزمون دوجمله‌ای نشان می‌دهد: از نظر پاسخگویان به پرسشنامه تاثیر افزایش قبولی دختران در دانشگاه‌ها در خصوص پیامدهای مرتبط با کارکرد اقتصادی نهاد خانواده بر گزینه ۲۰ یعنی «افزایش میزان اشتغال زنان» در سطح $P \leq 0/05$ معنادار بوده است، اما از نظر آنان گزینه‌های ۲۱ و ۲۲ در سطح $P \leq 0/05$ معنادار نمی‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که قبلاً بیان شد، خانواده یکی از بنیادی‌ترین نهادهای اجتماعی است که تحولات اقتصادی و اجتماعی جوامع بر کارکردهای آن تاثیر جدی برجای می‌گذارد، نتایج تحقیقات موجود نشان می‌دهد، سطح تحصیلات (به‌خصوص تحصیلات دانشگاهی) زن و مرد یکی از عوامل موثر بر تغییر و تحول در کارکردهای خانواده است. یکی از تحولات دهه‌های اخیر در ایران، رشد فزاینده حضور زنان در سطوح مختلف آموزش عالی و گذر از مرز ۵۵ درصد قبولی زنان در آزمون سراسری دانشگاه‌ها در دهه ۱۳۸۰ است. براساس آنچه که در مبانی نظری

تحقیق بیان شد، از دیدگاه اسلام چهار کارکرد عمده شامل: کارکرد تربیتی و پرورشی، کارکرد تامینی، کارکرد تولیدمثل و نظام‌بخشی به رفتارهای جنسی و کارکرد اقتصادی را می‌توان برای خانواده برشمرد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل پرسشنامه نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان، افزایش میزان قبولی دختران بر هر چهار مولفه پژوهش بیش از حد متوسط تاثیر خواهد داشت، به این معنی که پاسخگویان معتقدند، تاثیر این پدیده بر چهار کارکرد خانواده جدی و تعیین‌کننده خواهد بود. به علاوه یافته‌های حاصل از مصاحبه، آمارهای موجود و پژوهش‌های مشابه داخلی و خارجی نیز در اغلب موارد نتایج حاصل از پرسشنامه را تایید و تکمیل می‌کند.

۱- پیامدهای مرتبط با کارکرد تربیتی و پرورشی:

نتایج حاصل از آزمون دوجمله‌ای در جدول (۴) نشان می‌دهد از نظر پاسخگویان افزایش سطح تحصیلات زنان بر «افزایش پیشرفت تحصیلی فرزندان» بیش از حد متوسط است که این پاسخ با نظر مصاحبه‌شوندگان و نتایج تحقیق کینگ و هیل و قارون نیز هم‌خوانی دارد. همچنین از نظر پاسخگویان افزایش سطح تحصیلات زنان در «بالا رفتن سطح بهداشت و امید به زندگی در خانواده» بیش از حد متوسط موثر است. این پاسخ با نتایج تحقیقات شولتز و هاینز و آوری هم‌خوانی دارد. اما از نظر پاسخگویان تاثیر افزایش سطح تحصیلات زنان در «بروز مشکلاتی در زمینه تغذیه کودک با شیر مادر» کمتر از حد متوسط است که این نتایج با آمارهای ارائه شده توسط سازمان ملل در خصوص رابطه بین میانگین مدت شیردهی و میزان تحصیلات مادران و نتایج تحقیقات حاجیان و ملک‌افضلی و همکارانش هم‌خوانی ندارد.

از نظر پاسخگویان افزایش سطح تحصیلات زنان در «ضعف کارایی خانواده در ایفای نقش تربیتی»، «بروز اختلال در رشد اجتماعی کودکان» و «کاهش کیفیت

نقش مادری» بیش از حد متوسط است. این پاسخها با نظرات صاحب نظران روانشناسی رشد از جمله جان بالبی همخوانی دارد. همچنین از نظر پاسخگویان افزایش سطح تحصیلات زنان در «تضعیف و بی ارزش شدن نقش و مسئولیت های خطیر زنان در خانواده در پرتو توجه بیشتر به مسائل بیرون از خانه» بیش از حد متوسط بروز می کند، که با نتایج تحقیق رستگار در مورد زنان شاغل همخوانی دارد.

۲- پیامدهای مرتبط با کارکرد تامینی خانواده:

نتایج حاصل از آزمون دوجمله ای در جدول (۵) نشان می دهد، از نظر پاسخگویان «افزایش منزلت اجتماعی زنان» بیش از حد متوسط است. این پاسخ با نظر مصاحبه شوندهگان، با نظر ریتزر در مورد نمادها و شاخص های منزلت و نظریه مزلو همخوانی دارد. از نظر پاسخگویان «افزایش میزان طلاق در بین زنان با تحصیلات عالی» تفاوت معناداری وجود ندارد، که این پاسخ با نظر مصاحبه شوندهگان، نتایج سرشماری ۱۳۷۵ و نظر میشل همخوانی ندارد. همچنین از نظر پاسخگویان «تضعیف انسجام خانواده (گسستگی روابط بین زن و شوهر و مادر و فرزندان)» بیش از حد متوسط است. این پاسخ با افزایش میزان طلاق در بین زنان با تحصیلات عالی که نمودی از تضعیف انسجام خانواده (گسستگی روابط زن و شوهر) به شمار می رود و نظریه های کارکردگرایان به خصوص تالکوت پارسونز که معتقد به نوعی تقسیم کار جنسی است و انسجام و کارایی خانواده را منوط به اجرای آن می دانند، همخوانی دارد. اما با نظر مصاحبه شوندهگان همخوانی ندارد. همچنین از نظر پاسخگویان پیامد «کاهش کیفیت نقش همسررداری زنان» و «بروز مشکلات عاطفی و روانی برای کودکان» بیش از حد متوسط است. این پاسخ با نظر مصاحبه شوندهگان همخوانی ندارد. در تبیین تعارض موجود در نظر پاسخگویان به پرسشنامه و مصاحبه شوندهگان می توان این گونه استدلال کرد که این پیامد امری محدود و نسبی است که ممکن است در مورد برخی از زنان شاغل که بیش از حد

به مسائل بیرون از خانه توجه دارند، اتفاق بیفتد. ساروخانی (۱۳۸۴) در این زمینه معتقد است که گرایش زنان به اشتغال، بیش از همه بر خانواده اثر می‌گذارد و روابط زن و شوهر و فرزندان را دگرگون می‌سازد (ص ۸۵).

از نظر پاسخگویان افزایش سطح تحصیلات زنان در «افزایش نقش زنان در تصمیم‌گیری در خانواده» بیش از حد متوسط است که این پاسخ با نظر مصاحبه‌شوندگان، یافته‌های جاراللهی، سفیری و نتایج تحقیق مهدوی و صبوری نیز هم‌خوانی دارد. همچنین از نظر پاسخگویان افزایش سطح تحصیلات زنان در «اصلاح اصول تقسیم کار در خانواده» تفاوت معناداری به‌وجود نمی‌آورد که این پاسخ با نظر مصاحبه‌شوندگان هم‌خوانی دارد. چیزی که در بعضی از خانواده‌ها به دلیل تسلط فرهنگ سنتی مردسالاری و قبیح شمردن انجام کارهای خانه، مانند نظافت، شستشوی ظرف، پختن غذا، بچه‌داری و... توسط مردان، طبیعی به نظر می‌رسد. از نظر پاسخگویان افزایش سطح تحصیلات زنان در «ایجاد تعارض میان نقش‌های مختلف زنان از جمله نقش زنان در خانواده و جامعه» تفاوت معناداری به‌وجود نمی‌آورد. این پاسخ با نتایج تحقیق رستگار هم‌خوانی ندارد. همچنین از نظر پاسخگویان افزایش میزان قبولی زنان در دانشگاه‌ها و افزایش سطح تحصیلات زنان بر «رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌های گذشته در مورد زنان» تفاوت معناداری به‌وجود نمی‌آورد. این پاسخ با یافته‌های حاصل از مصاحبه هم‌خوانی دارد. افزایش سطح تحصیلات زنان و آگاهی‌های آنان نسبت به حقوق فردی و اجتماعی‌شان می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل موثر در رفع تبعیض و بی‌عدالتی‌های گذشته قلمداد شود. اما همان‌گونه که شهید مطهری (۱۳۶۶) معتقد است، ریشه این ستم‌ها، جهالت، تعصب و عادات است که برای رفع تمامی ابعاد این ستم‌ها به ایجاد تحولی اساسی در فرهنگ و نگرش کل جامعه و به‌خصوص نگرش مردان نسبت به حقوق زنان نیاز است.

۳- پیامدهای مرتبط با کارکرد تولید مثل خانواده:

نتایج حاصل از آزمون دوجمله‌ای در جدول (۶) نشان می‌دهد از نظر پاسخگویان تاثیر افزایش سطح تحصیلات زنان بر گزینه‌های «افزایش سن ازدواج دختران» و «کاهش نرخ باروری» مورد تایید است که این پاسخ با نظر مصاحبه شونده‌گان، گزارش یونسکو، یافته‌های کوئن، میشل، کریمی، سفیری (افزایش سن ازدواج) کاظمی پور و نتایج تحقیق عباسی و عسکری همچنین داده‌های آماری مرکز آمار ایران هم‌خوانی دارد. اما با یافته‌های سفیری در بعد کاهش نرخ باروری هم‌خوانی ندارد، همچنین از نظر پاسخگویان به پرسشنامه گزینه «عدم تمایل به ازدواج» به عنوان یک پیامد برای این پدیده مورد تایید قرار نگرفت که این پاسخ با نظر مصاحبه‌شونده‌گان، یافته‌های میشل و نتایج سرشماری ۱۳۷۵ هم‌خوانی ندارد.

۴- پیامدهای مرتبط با کارکرد اقتصادی خانواده:

نتایج حاصل از آزمون دوجمله‌ای در جدول (۷) نشان می‌دهد، از نظر پاسخگویان به پرسشنامه، افزایش سطح تحصیلات زنان در «افزایش میزان اشتغال زنان» مورد تایید است که این پاسخ با نظر مصاحبه‌شونده‌گان و داده‌های آماری مرکز آمار ایران هم‌خوانی دارد. اما از نظر پاسخگویان به پرسشنامه، افزایش سطح تحصیلات زنان بر گزینه «افزایش درآمد زنان و به‌وجود آمدن استقلال نسبی برای آنان» تفاوت معناداری به وجود نمی‌آورد که این پاسخ با نتایج تحقیق ذوالفقار پور هم‌خوانی دارد، اما با نظر مصاحبه‌شونده‌گان هم‌خوانی ندارد. همچنین از نظر پاسخگویان به پرسشنامه، افزایش سطح تحصیلات زنان بر گزینه «افزایش درآمد خانواده و افزایش رفاه نسبی برای خانواده» تفاوت معناداری به‌وجود نمی‌آورد که این پاسخ با نظر مصاحبه‌شونده‌گان هم‌خوانی ندارد.

یکی از پیامدهای جدی این پدیده، «افزایش میزان اشتغال زنان» است که بسیاری از پیامدهای دیگر آن از جمله «ضعف کارایی خانواده در ایفای نقش تربیتی»، «بروز

اختلال در رشد اجتماعی کودکان»، «کاهش کیفیت نقش مادری (برای فرزندان)»، «تضعیف انسجام خانواده (گسستگی روابط بین زن و شوهر و مادر و فرزندان)»، «کاهش کیفیت در نقش همسر داری زنان» و «کاهش نرخ باروری (تعداد فرزندان)» نیز ناشی از این پیامد است، لذا پیشنهادات زیر در راستای کاهش تبعات این پیامد مطرح می‌شود:

الف) پیش‌بینی و اجرای برنامه‌های آموزشی کارآفرینی، ایجاد فرصت‌های کسب و کار مبتنی بر دانایی^۱ یعنی ایجاد زمینه‌هایی که زنان بتوانند، در محیط‌های خاص از جمله در محیط خانه به‌جای کار یدی، به کارهایی که ماهیتی مبتنی بر دانایی دارند، مانند فعالیت‌های آموزشی و تحقیقاتی، فعالیت‌های مشاوره‌ای بپردازند. ایجاد فرصت‌های کسب و کار از راه دور با استفاده از امکانات نوین فناوری ارتباطات و اطلاعات و تجارت الکترونیک به‌منظور افزایش امکان اشتغال بیشتر برای زنان تحصیلکرده.

ب) طراحی رشته‌های جدید دانشگاهی که تناسب و سازگاری بیشتری با فطرت زنان داشته و تعارض کمتری با ایفای نقش اصلی آنان در خانواده دارد.

ج) ایجاد تسهیلات مختلف از جمله مهدکودک، محل نگهداری فرزندان، سرویس ایاب و ذهاب و سایر خدماتی که زنان شاغل را در زمینه انجام بخش‌هایی از وظایف و مسئولیت‌های خانوادگی کمک و یاری می‌نماید.

یکی دیگر از پیامدهای این پدیده، «افزایش سن ازدواج دختران» است، لذا به منظور جلوگیری از بالا رفتن سن ازدواج پیشنهاد می‌شود، شرایط و تسهیلات مناسبی برای ازدواج دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی فراهم گردد.

یکی از پیامدهای این پدیده، «تضعیف و بی ارزش شدن نقش و مسئولیت‌های خطیر زنان در خانواده در پرتو توجه بیشتر به مسائل بیرون از خانه» است، در راستای کاهش تبعات این پیامد، لازم است:

الف) فرهنگ و نگرش جامعه و دولت در خصوص ارزش نقش‌ها و مسئولیت‌های زنان در خانواده و مفید و موثر بودن آنها در خانواده اصلاح گردد.
ب) برنامه‌ریزی جهت ایجاد تغییر در نگرش جامعه به‌خصوص مردان نسبت به حقوق و تکالیف زنان.

ج) کار فرهنگی توسط رسانه‌های جمعی و گروهی.

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- ابن بابویه؛ م (۱۳۷۱)، **من لا یحضره الفقیه**، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
- ۳- آزاد ارمکی؛ ت و زند؛ م و خزاعی؛ ط (۱۳۸۲)، روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل، **فصلنامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا(س)**، سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، صص ۲۴-۱.
- ۴- بهروز فغانی؛ م (۱۳۸۲)، تحلیل و بررسی افزایش سهم زنان برای ورود به دانشگاه‌ها، **روزنامه همشهری**.
- ۵- جاراللهی؛ ع (۱۳۷۴)، اثر اشتغال زنان کارگر بر میزان مشارکت زوجین در امور خانواده، **فصلنامه علوم اجتماعی**، ۸ و ۷، صص ۱۵۰-۱۳۵.
- ۶- حاجیان؛ ک (۱۳۸۰)، بررسی الگوی شیردهی مادران در شهرستان بابل، **فصلنامه پژوهش در پزشکی**، سال ۲۵، شماره ۴، صص ۲۱۱-۲۰۵.
- ۷- ذوالفقاریپور؛ م و حسینیان؛ س و یزدی؛ م (۱۳۸۳)، بررسی رابطه میان ساختار قدرت در خانواده، رضامندی زناشویی زنان کارمند و خانه‌دار شهر تهران، **تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره**، جلد سوم، شماره ۱۱، صص ۴۶-۳۱.
- ۸- رازقی؛ ن و غباری بناب؛ ب و مظاهری؛ م (۱۳۸۴)، مقایسه الگوهای دل‌بستگی کودکان تحت حمایت مراکز مراقبت شبانه‌روزی با کودکان تحت حمایت خانواده، **پژوهش در حیطه کودکان استثنایی**، سال پنجم، شماره ۲، صص ۱۸۳-۱۶۵.
- ۹- ربانی؛ ر و شاهنوشی؛ م (۱۳۸۰)، **مبانی جامعه‌شناسی**، تهران، آوای نور.

- ۱۰- رستگار خالده؛ ا (۱۳۸۳). بررسی تعارض نقش های شغلی - خانوادگی و عوامل اجتماعی موثر بر آن، **دو ماهنامه دانشور**، شماره ۴، صص ۳۵-۴۸.
- ۱۱- رضایی؛ م (۱۳۸۶)، اصول حاکم بر کار اقتصادی زنان از دید اسلامی، **اقتصاد اسلامی**، سال هفتم، شماره ۲۵.
- ۱۲- ریتزر؛ ج (۱۳۸۳)، **نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر**، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی.
- ۱۳- ساروخانی؛ ب (۱۳۸۴)، **مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده**، تهران، سروش.
- ۱۴- سفیری؛ خ (۱۳۸۶)، زنان و تحصیلات دانشگاهی، **مجله زبان و ادبیات فارسی**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، سال ۱۵، شماره ۵۶-۵۷ (ویژه نامه علوم اجتماعی ۳)، صص ۱۰۱-۱۲۷.
- ۱۵- شولتز؛ پ (۱۳۷۶)، **بازده آموزش زنان**، ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی، صص ۷۵-۱۲۴، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ۱۶- عباسی شوازی؛ م و عسکری ندوشن؛ ع (۱۳۸۴)، تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران (مطالعه موردی استان یزد)، **فصلنامه نامه علوم اجتماعی**، شماره ۲۵، صص ۲۵-۷۵.
- ۱۷- قارون؛ م (۱۳۸۵)، بررسی مقایسه ای تاثیر عوامل اقتصادی- اجتماعی خانوار بر تقاضای ورود به آموزش عالی، **فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی**، ج ۱۲، شماره ۲، صص ۹۱-۱۰۹.
- ۱۸- قرائی مقدم؛ ا (۱۳۸۸) **افزایش دختران در دانشگاه ها**، نشان از آزادی آموزش در ایران است، برنا نیوز.
- ۱۹- کاظمی پور؛ ش (۱۳۷۹)، **تبعات افزایش سن ازدواج به لحاظ بهداشت باروری**، مجموعه مقالات اولین همایش توانمندسازی زنان، صص ۲۹۳-۲۷۷، تهران، مرکز امور مشارکت زنان.
- ۲۰- کریمی؛ خدیجه (۱۳۷۹)، **بررسی وضعیت باروری و سواد زنان در ایران**، تهران، مرکز آمار ایران.
- ۲۱- کوئن؛ ب (۱۳۷۲)، **مبانی جامعه شناسی**، ترجمه: غلامعباس توسلی، رضا فاضل، تهران، سمت.
- ۲۲- کولایی؛ ا (۱۳۸۰)، **برای خیل عظیم فارغ التحصیلان دختر دانشگاه ها چه اندیشیده ایم؟**، روزنامه ایران.

- ۲۳- کینگ؛ ایی، ام؛ وهیل، ام؛ ا (۱۳۷۶). **نگاهی به آموزش زنان در کشورهای در حال توسعه**، ترجمه: غلامرضا آزاد ارمکی، صص ۷۴-۱۴، تهران، روشنگران و مطالعات زنان.
- ۲۴- مجلسی؛ م (۱۳۶۲)، **بحار الانوار**، بیروت، موسسه الوفاء.
- ۲۵- مرکز آمار ایران (۱۳۷۹)، **ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی زنان در ایران ۷۵-۱۳۶۵**، تهران، مولف.
- ۲۶- مطهری؛ مرتضی (۱۳۶۶)، **نظام حقوق زن در اسلام**، تهران، صدرا.
- ۲۷- ملک‌افضلی؛ ح و همکارانش (۱۳۶۷)، **بررسی تغذیه کودکان با شیر مادر، فصلنامه دارو و درمان**، شماره ۵۸، صص ۱۵-۹.
- ۲۸- مهدوی؛ م و صبوری خسروشاهی؛ ح (۱۳۸۲)، **بررسی ساختار توزیع قدرت در خانواده، فصلنامه مطالعات زنان**، سال اول، شماره ۲، صص ۶۷-۲۷.
- ۲۹- میشل؛ آ (۱۳۷۲)، **جنبش اجتماعی زنان**، ترجمه: هما زنجانی‌زاده، مشهد، نیکا.

1- UNESCO, (1996). **Element of Family Planning in Population Educations Programs**. Family Planning, Health and Family Well-Being. New York: United Nations.